

پیشگیری عمومی از بزهکاری مانعی برای جرم‌زدایی؟

محمد حسین آقایی
دانشجوی دوره دکترای حقوق جزا

چکیده

ایدهٔ پیشگیری از جرم سابقه طولانی دارد. شاید قدمت آن مقارن با ظهور و بروز اشکال بزهکاری باشد. لکن کارآیی تدابیر آن، نتوانسته است اهداف نظام عدالت کیفری را برآورده سازد. لذا کشورها با بحران ظهور و بروز اشکال جدید بزهکاری از یک طرف و تورم کیفری از سوی دیگر، مواجه گردیده‌اند. و برای خروج از بحران حاضر آموزه‌هایی ابداع نموده‌اند. یکی از این آموزه‌ها، جرم‌زدایی (Decriminalisation) یا آموزه «عدم مداخله» است. ارتباط متقابل بین پیشگیری عمومی از بزهکاری و جرم‌زدایی موضوع نوشتار حاضر است.

مُتَلَمَّا

پیشگیری عمومی از جرم معمولاً جزء اهداف اولیه حقوق جزا و اجرای قانون است. اساس پیشگیری عام - بازدارندگی عمومی، در فرهنگ آنگلو ساکسون - بر این است که مجازات بزهکاران و متخلفان می تواند مانع دیگران از نقض قانون گردد. در حقیقت یک اساس کلاسیک نسبت به نظریه کیفری است و می تواند به اندازه خود حقوق جزا قدرت داشته باشد. سابقه آن حداقل به ۲۴۰۰ سال پیش یعنی پروتاغورس سوفیست یونانی می رسد. بحث پیرامون عدم مداخله نظام کیفری نیز تبدیل به یک جنبش شده است که بیش از ربع قرن است که بسط و گسترش یافته و به اشکال گوناگون تجلی و ظهور پیدا کرده است. یکی از این شیوه‌ها، تقلیل تعداد ممنوعیت‌های کیفری در قانون جزاست و این همان جرم‌زدایی است.

جرم‌زدایی در معنای دقیق کلمه، یعنی زدودن برجسب و عنوان مجرمانه از یک عمل یا از یک رفتار.^(۱) جرم‌زدایی از آغاز سالهای ۱۹۶۰ میلادی به صورت بحث روز درآمده است. و با هدف کاهش عناوین مجرمانه و یا زدودن تورم کیفری از نظام جزایی مطرح شده است. بسیاری از مقررات در زمینه‌های اقتصادی، مالیاتی، اداری و بهداشتی وجود دارد که حتماً لازم نیست دارای وصف کیفری باشند و با ضمانت اجراهای معمول حقوق جزا پاسخ داده شوند؛ بلکه همه جرم‌شناسان عقیده دارند که با مرتکبین جرایم کم اهمیت یا جرایمی که نظم عمومی را چندان متأثر نمی‌سازند. نباید به عنوان مجرم رفتار شود. به عبارت دقیقتر، آنان عقیده دارند که باید نوعی سازماندهی مجدد و اصلاح نظام کیفری صورت گیرد و دایره ممنوعیتها هرچه بیشتر محدود گردد. جرم‌شناسان جرم‌زدایی را یک فن حقوقی دانسته‌اند که باید آگاهانه صورت گیرد زیرا حدود

خاصی دارد.^(۱)

نوشته حاضر، به دنبال تبیین پیشگیری عمومی، تاریخچه و نیز شرایط و اشکال آن (مبحث اول)، و تعریف و بیان انواع جرم‌زدایی (مبحث دوم)، همچنین پیامدهای جرم‌زدایی و ارتباط آن با بازدارندگی و نیز تأثیر جرم‌زدایی بر آموزش اخلاقی (مبحث سوم) است. در پایان نیز بر استدلال‌های مخالفان جرم‌زدایی خواهد پرداخت (مبحث چهارم)، و بحث را با دسته بندی نتایج حاصله از جرم‌زدایی به پایان خواهد رساند.

مبحث اول - پیشگیری از جرم

الف - تعریف پیشگیری از جرم

پیشگیری از جرم در تئوری کیفری، عمده‌ت شامل ارباب جمعی و فردی ناشی از مجازات می‌شود. ابتدایی‌ترین کارکرد اعمال مجازات، ترساندن بوده است. ترساندن در انتخاب مجازات‌ها از سوی مقنن جایگاه ویژه‌ای داشته است. ترساندن یا ارباب ممکن است منجر به پیشگیری عمومی یا اختصاصی شود. اجرای مادی قانون مجازات می‌تواند با منصرف کردن دیگران از طریق عبرت‌گیری از تبهکاران مجازات شده، درس عبرتی به فرد تحت تعقیب یا محکوم نیز بیاموزد. «پیشگیری خاص».^(۲) اجرای مجازات باید به شکلی باشد که محکوم جرم را تکرار نکند و دستورهای قانونی را نقض ننماید. تأثیر اجرای مجازات در حصول نتایج قبل نسبت به افراد مختلف می‌تواند متفاوت باشد، بر همین اساس، قانونگذار شیوه‌های متنوعی را جهت دستیابی به هدف فوق اتخاذ کرده است.

پیشگیری عام در یک تعریف کلاسیک، به معنی این است که اجرای مجازات در

۱- پیکا: ژرژ. جرم‌شناسی؛ ترجمه نجفی ابرندآبادی، علی حسین؛ انتشارات دانشگاه شهید بهشتی؛ ۱۳۷۰.

۲- نجفی ابرندآبادی، دکتر علی حسین؛ مقاله: پیشگیری از بزهکاری و پلیس محلی؛ مجله تحقیقات

حقوقی؛ ش ۲۵-۲۶، ص ۱۲۹.

مورد مجرمین باعث ترس سایرین از ارتکاب جرم (تقض قانون) و مانع ارتکاب جرم از سوی آنان گردد. پیشگیری خاص، به معنی استفاده وسیع از اقدامات کیفری و درمانی مشخص شده (شخصی) برای جلوگیری از تکرار جرم توسط خود مجرم است. به عبارت دقیقتر، هدف عمده پیشگیری خاص، جلوگیری از تکرار جرم است. مفهوم پیشگیری به طور گسترده توسط تعدادی از فیلسوفان غربی خصوصاً فلاسفه قرون ۱۸ و ۱۹ مانند بکاریا، بنتام و فوئرباخ مورد تحلیل قرار گرفته است و پیشرفتهای قابل ملاحظه‌ای هم در تحلیل مفهوم پیشگیری عمومی حاصل شده است. لیکن تا نیمه اول قرن بیستم تحقیقات تجربی چندانی در خصوص موضوع صورت نگرفته بود. در نیمه دوم قرن بیستم مسأله «بازدارندگی خاص» در تحقیقات و سیاست کیفری محسوس و نمایان گردید.

با این حال، پانزده تا بیست سال گذشته، تقریباً حیات مجددی برای پیشگیری عام به حساب می‌آید. چرا؟ علت این اقبال مجدد چیست؟ دلیل روشن رنسانس پیشگیری عمومی (عام) سرخوردگی از تأثیر اقدامات بازدارنده خاص و مدرن که در مقابل اصلاح و بازپروری بزهکار است می‌باشد.

در دهه‌های متعدد کارهای پرهزینه و داوطلبانه، از جمله صدها پروژه تحقیقاتی و اقدامات کم و بیش شدید و یا درمان کسانی که تاکنون مرتکب جرم شده و وارد سیستم عدالت کیفری گردیده‌اند، امید به مبارزه مؤثر با جرم از طریق اقدامات خاص کیفری - درمانی را تحقق نبخشید.

ریموند گسن بعد از پژوهشهای فراوان در مورد اثرات پیشگیری اقدامات کیفری چنین اظهار عقیده کرده است: (۱)

«روی هم رفته به طور قطعی آشکار شد که ضمانت اجراهای کیفری اثر ناچیزی دارند و واقعاً نمی‌توانند نقش اختصاصی خود را در پرهیز از تبهکاری ایفا کنند و بدین

ترتیب عنصر مهمی برای سیاست جنایی محسوب نمی‌شوند.»

طرحها و تجربه‌های اصلاحی جمعی که در مناطق جغرافیایی معینی در آمریکا صورت گرفته است (از جمله طرح منطقه شیکاگو که بیشتر جنبه فرهنگی داشت) بسیار زیاد است، لیکن هیچ کدام نتایج مورد نظر را به دنبال نداشت. یا در فرانسه، ابتکارهای پلیسی (اقدامات پلیس یا ژاندارمری در شهرهای ساحلی و توریستی یا ایجاد پلیس محلی) یا ابتکارهای اجتماعی - تربیتی (ایجاد کلوهای پیشگیری از انحرافات و جرایم) نتایج مقطعی اندکی به همراه داشت لیکن موجب کاهش بزهکاری نشد.^(۱)

لذا تمرکز سیستم کیفری به جای توجه به کسانی که تاکنون مرتکب جرم شده‌اند به طرف کسانی که تاکنون مرتکب جرم نشده‌اند تغییر جهت یافت.

احیای مجدد نظام پیشگیری در مطالعات نظری و کارهای تجربی متنوع منعکس شده است و همایشها و کمیته‌های مختلف به بررسی وضعیت حاضر پیشگیری عمومی پرداخته‌اند.

علی‌رغم فعالیتهای وسیع و جدی در مورد پیشگیری عمومی هنوز پاسخ سؤال زیر که بارها تکرار می‌شود، داده نشده است:

آیا پیشگیری عمومی رؤیا است یا واقعیت، وهم است یا واقعیت؟

استاد ژرژ پیکا در کتاب جرم‌شناسی اذعان می‌دارد:^(۲) «... با وجود این، کارایی این شکل ابتدایی پیشگیری - همان‌گونه که دیدیم - مشروعاً مورد بحث است و آشکارا مورد اعتراض قرار گرفته است... با این همه «پیشگیری» پیشرفت اندکی داشته است. آیا می‌توان گفت که بیشتر یک تجمل بوده تا یک ضرورت؟»

هیچ کدام از مطالعات تجربی که تاکنون صورت گرفته نتوانسته‌اند راه‌حل مشکل را ارائه نمایند. حتی طرفداران و مخالفان پیشگیری عمومی عقیده دارند که «پیشگیری عمومی» در تئوری و عمل قطعات یک ترکیب کاملاً پیچیده است.

۱- دانشنامه جرم‌شناسی، ص ۹۱.

۲- پیکا، ژرژ. جرم‌شناسی، ص ۱۱۳.

با توجه به این پیچیدگی، سؤال درباره این که چیزی به نام «پیشگیری عمومی» وجود دارد یا خیر؟ بی‌معناست. زیرا پیشگیری عمومی یک «چیز» نیست، بلکه خیلی چیزهاست.

بنابراین، به وضوح مهم است تا بین آثار و درجات مختلف پیشگیری (بازدارندگی، اخلاقی، آموزشی) و اشکال و مراحل مختلف قانونگذاری، قانون و اجرای آن در جوامع مختلف (فرهنگها، ملتها) بر اشکال مختلف رفتار (انواع مختلف جرایم، مراحل مختلف ارتکاب جرم) بر روی افراد متفاوت (زنان و مردان، کودکان و جوانان، بزرگسالان) در شرایط مختلف (فشار اجتماعی، اغوا، تحریک، عشق، عصبانیت) تفاوت و تمیز قایل شد. با وجود این، یک تفاوت دیگر بین سطح عمومی و سطح فردی پیشگیری وجود دارد. برای مثال، باید بین اثر پیشگیرانه عمومی از اعمال (اجرای) مجازات در یک جامعه معین، در یک زمان معین و در ارتباط با جرم معین از یک طرف، و اثر پیشگیرانه مجازات خاص در مورد جرم خاص، از طرف دیگر، تفاوت بین قایل شد.

دو نوع دیگر پیشگیری وجود دارد که یک تفاوت اساسی بین آنها وجود دارد. که یکی به عنوان بازدارندگی اصلی (مطلق) و دیگری تحت عنوان بازدارندگی فرعی مصطلح شده است. بازدارندگی اصلی مربوط به این مسأله است که قانون، نوع نظارت، مجازات، ضمانت اجرای معین و غیره به هیچ وجه اثر بازدارنده عمومی ندارند. در حالی که، بازدارندگی فرعی به امکان افزایش یا کاهش اثر پیشگیرانه عمومی برخی تغییرات قانونی، نظارت شدید یا خفیف، اصلاحات زندان و غیره مربوط است. کیفرزدایی عمده به مسأله بازدارندگی فرعی مربوط است، در حالی که، جرمزدایی به هر دو نوع بازدارندگی، بسته به انواع جرمزدایی مورد بحث مربوط است.

موافقان و مخالفان پیشگیری عمومی در تحلیل مفهوم آن به این نکات توجه کرده‌اند:

۱- حقیقتاً در برخی شرایط، پیشگیری عمومی وجود ندارد؛

۲- در برخی شرایط، پیشگیری عمومی، کاربرد ندارد یا کاربرد کمی دارد؛

۳- پیشگیری عمومی، هرگز به عنوان اساس منحصر برای تصمیمات، در هر سطحی

از سیستم عدالت کیفری نبوده است؛

۴- پیشگیری عمومی مبتنی بر حقوق کیفری تنها راه پیشگیری از رفتار نامطلوب نیست. با توجه به ملاحظات فوق، موضوعات مهم مورد بحث در این زمینه به شرح زیر

است:

- ۱- وقتی پیشگیری عمومی، اصلاً کارکردی ندارد چگونه مؤثر واقع می شود؟
- ۲- شرایط توجه و عدم توجه به اثر پیشگیرانه عمومی چه هستند؟
- ۳- تا چه حد ملاحظات پیشگیرانه عمومی موافق یا مغایر با ملاحظات مربوط به تصمیمات قانونی هستند؟

۴- شیوه‌های جایگزین پیشگیری (کیفری) در درون نظام کیفری و خارج از آن (برای مثال، پیشگیری فیزیکی، و پیشگیری عام از طریق اقدامات غیر کیفری) و نسبت‌های کارایی - هزینه این بدیله‌ها در مقایسه با پیشگیری عمومی سُنتی چه هستند؟

بدیهی است که بحث پیرامون سؤالات ۳ و ۴ تا حد زیادی به پاسخ به سؤالات ۱ و ۲ بستگی دارد. عده‌ای عقیده دارند که مشاهدات روزانه و ملاحظات مشترک، ما را برای اتخاذ راهی برای پاسخ به سؤالات فوق رهنمون می سازد. اما پاسخ شایسته به این سؤالات به تحقیقات نظری و تجربی نیازمند است و بحث فراتر از ملاحظات روزانه و مشترک می باشد. تحقیقات تجربی سالهای اخیر تاحدی به روشن کردن این سؤالات کمک کرده است.

گزارش کمیسیون اصلاح حقوق کانادا (۱۹۷۶)، بعد از بررسی تحقیقات موجود حاکی است: «مطالعه علمی بازدارندگی در آغاز راه است، تحقیقات در زمینه بازدارندگی، خصوصاً بازدارندگی عمومی، در مراحل اولیه توسعه است و راه طولانی در پیش دارد؛ قبل از این که موضوعات اساسی شفاف گردد و فرضیات مهمتر مورد آزمایش قرار گیرد... آموزه بازدارندگی بر فرضیاتی مبتنی است، خیلی از این فرضیات به طور جدی با چالش مواجه شده و هرگز به قدر کافی در مورد آنها تحقیق نشده است. برخی از این فرضیات حتی ارزش علمی هم ندارند».

مطالعات تئوری و تجربی که مستقیماً به بررسی رابطه بین پیشگیری عمومی و جرم‌زدایی پیردازد، بسیار کم است. علی‌رغم دانش تجربی کمی که در زمینه پیشگیری عمومی وجود دارد، حقایق مهمی در خصوص جرم‌زدایی وجود دارد. بررسی این حقایق ما را در پاسخ به برخی سؤالات فوق در خصوص کارکرد و مطلوبیت و عدم مطلوبیت پیشگیری عمومی یاری می‌دهد. در قسمتهای بعد، ما پس از بررسی نتایج مربوط به جرم‌زدایی، مهمترین ویژگیهای این نتایج را ارائه خواهیم کرد.

ب- اشکال و شرایط پیشگیری عمومی

اکثر تحلیل‌های پیشگیری عمومی، سنتی یا مدرن، دو نوع اثر مختلف به دنبال دارند. اثر بازدارندگی و اثر آموزشی. اثر بازدارندگی بر این باور ساده مبتنی است که مردم به علت ترس از بازداشت و مجازات، از ارتکاب جرایم کیفری خودداری می‌کنند. اثر آموزشی تا حدودی پیچیده‌تر است، باور اساسی این است که مردم به لحاظ اقتدار و اجرای حقوق جزا می‌آموزند که از ارتکاب اشکال خاصی از رفتار تنفرآمیز خودداری کنند. در اینجا، به اثر آموزشی حقوق جزا توجه ویژه وجود دارد.

از بین جنبه‌های مختلف اثر آموزشی، برخی نویسندگان بر ایجاد و ابقای محکومیت‌های اخلاقی نظیر حق و خطا، خوب و بد و عده‌ای دیگر بر ایجاد و تقویت عادات‌های (باورهای) پایدار حقوقی، و دسته‌ای دیگر بر اهمیت گسستگی اخلاقی و اجتماعی از مجرم بر چسب خورده تأکید دارند. در قسمتهای بعدی راجع به اثر آموزشی حقوق جزا بیشتر بحث خواهد شد.

آنچه اثرات بازدارندگی عمومی در قلمرو حقوق جزا را باعث می‌شود (تاحدی براساس تحقیقات تجربی) این است که مقررات حقوق جزا و تهدید به مجازات از نظر روان‌شناختی اثر بازدارنده دارند. هر چند این آثار معمولاً به اندازه کافی نیستند. در ۲۵ سال گذشته تحقیقات زیادی در خصوص این موضوع صورت گرفته است. برخی از این تحقیقات به جای توجه به تئوری و عمل پیشگیری عمومی به دانش و افکار عمومی درباره حقوق متمرکز بوده است. این تحقیقات نشان می‌دهد که مردم عموماً اطلاعات

کمی در خصوص قوانین، رویه‌ها و ضمانت اجراهای کیفری دارند. (به جز در مورد گروه‌های متخلفین، که در زمینه جرایم ترافیکی، مالی و اقتصادی اطلاعاتی دارند).

ج - رابطه بین خطر بازداشت و شدت مجازات‌ها با ارتکاب جرایم

مطالعات انجام شده یکی از اصول اولیه نظریه کلاسیک پیشگیری عمومی را به چالش می‌کشد؛ به عبارت دیگر، تا آنجا که به اثر بازدارندگی مربوط است، شدت مجازات‌ها و خطر بازداشت و وظیفه‌ای کم و بیش یکسان دارند. در نظریه نفع‌طلبی کلاسیک پذیرفته شده است که هر ضعفی در خطر بازداشت می‌تواند از طریق افزایش شدت مجازات‌ها جبران شود.

بنابراین، برای دستیابی به میزان بازدارندگی مجازات، چنانچه مجازات ملایم‌تر باشد، با خطر بالای بازداشت جبران خواهد شد. این اصل هنوز تا حدودی در رویه قضایی اجرا می‌شود. تحقیقات تجربی نشان می‌دهد که همه عوامل باید در نظر گرفته شود؛ قطعیت اجرای مجازات که عمده خطر بازداشت را تداعی می‌کند نقش مهمتری را در بازدارندگی که از شدت مجازات‌ها به دست می‌آید بازی می‌کند.

اولاً، مطالعات مربوط به اجرای قانون در میان بزه‌کاران نشان می‌دهد که خطر بازداشت خیلی ترسناکتر از هر بخش دیگری از اجرای قانون و عدالت کیفری، از جمله محاکم، حکم و مجازات می‌باشد؛

ثانیاً، مطالعات مربوط به تأثیر ضمانت اجراهای قانونی بر نرخ جرایم به طور کلی و در مورد وقوع جرایم خاص، این فرضیه را که رابطه‌ای بین شدت مجازات‌ها و بازدارندگی وجود دارد تأیید نمی‌کند. از طرف دیگر، مطالعات عموماً نظریه‌هایی که خطر بازداشت را مؤثر در بازدارندگی می‌دانند تأیید می‌کنند. به بیان دیگر، به نظر می‌رسد که در خیلی از زمینه‌ها، بهترین و شاید تنها راه گسترش بازدارندگی، افزایش خطر بازداشت باشد، در حالی که صرف افزایش شدت مجازات‌ها بی‌فایده بع نظر می‌رسد. برای مثال، می‌توان از قوانین قصاص خصوصاً قصاص عضو در ایران یاد کرد، در حالی که مجازات‌ها شدید است اما احتمال اجرا بسیار کم است. نتیجه، شدت مجازات‌ها به تنهایی نمی‌تواند اثر

بازدارندگی داشته باشد.

محقق جرم‌شناس لوی برول نیز در این مورد می‌نویسد: ^(۱) «هیچ گاه خشونت زیاد مجازاتها در واقع به طور جدی از ظهور مجدد جرم پیشگیری نکرده است.»

این موضوع که پایین بودن خطر بازداشت با درجه بالای شدت مجازات متعادل نمی‌شود با تجربه تاریخی و روزمره ما در زمینه جرم تأیید شده است. برای مثال، در اوضاع و احوال خاصی، وقتی پلیس در اعتصاب به سر می‌برد، یا فعال نیست، یا وقتی که شهر به خاطر قطع برق، در تاریکی به سر می‌برد، نرخ جرم - حتی شدیدتر - به طرز قابل توجهی افزایش می‌یابد. تنها اگر خطر بازداشت واقعاً به قدر کافی درک شده باشد، انتظار می‌رود که شدت مجازات در مواردی بتواند مورد توجه قرار گیرد. در اینجا دو دیدگاه فکری مهم و تاریخی در مقابل هم قرار می‌گیرد؛ مکتب اصالت نفع‌طلبی به رهبری بنتام انگلیسی معتقد است که مجازات باید به درجه‌ای باشد که قصدکننده جرم بین مضار حاصله از جرم و منافع آن، مضار را بیشتر دیده و از ارتکاب جرم منصرف شود. ^(۲)

بنتام توصیه می‌کند که مجازات باید به حدی باشد که موجب هراس و ترس اشخاص گردد و به این جهت مجازات زندان را بر سایر مجازاتها ترجیح می‌دهد؛ وی معتقد است مدت زندان رعب و هراسی در دل اشخاصی که سودای ارتکاب جرم را در سر می‌پروراند می‌اندازد و آنها را از اقدام به عمل مجرمانه برحذر می‌دارد. ^(۳)

در مقابل تئوری بنتام که طرفدار شدت مجازاتهاست، نظریه حتمیت، قطعیت و اعتدال مجازاتهای سزار بکاریای ایتالیایی قرار دارد. بکاریا معتقد است حتمی بودن عقوبتی حتی معتدل، همیشه تأثیری شدیدتر از ترس از مجازاتی موحش که امید رهایی در آن وجود دارد به جای می‌گذارد. ^(۴)

بنابراین، در مکتب اصالت سودمندی معیار محاسبه «روانی - اقتصادی» لذت در

۱- تیموری، خیراله مقاله: درآمدی بر پیشگیری از وقوع جرم مجله حقوقی دادگستری، ش ۲۶، ص ۱۷۱.

۲- علی آبادی، عبدالحسین. حقوق جنایی؛ ص ۱۷.

۳- باهری، محمد. حقوق جزای عمومی؛ ص ۴۴.

۴- بکاریا، سزار؛ رساله جرایم و مجازاتها ترجمه اردبیلی، محمدعلی؛ ص ۸۸-۸۹.

مقابل درد، نفع در مقابل هزینه به عنوان اساس بازدارندگی در نظر گرفته شده است. برای مثال، بازرگانی که جریمه پارک غیرمجاز را به دیر کردن در یک ملاقات مهم تجاری ترجیح می‌دهد، محاسبه وجه اقتصادی مدنظر است، مادامی که مجازات کاملاً غیرشخصی و غیراحساسی باشد: به این معنی که جریمه غیر مجاز به شکل پرداخت پستی صورت می‌گیرد. لذا برای تقویت اثر بازدارندگی، باید راه دیگری انتخاب شود؛ خطر احتمال بازداشت از طریق شخصی و ناخوشایند کردن بازداشت، برای مثال، متهم را وادار کنیم که شخصاً ماشین خود را با طناب از محل دور کند.

د- رابطه بین شدت مجازات و محکومیت اخلاقی

مطالعات نشان می‌دهد که به طور کلی بین شدت مجازاتها و محکومیت اخلاقی رفتار خاص، رابطه قوی وجود دارد. البته، این بدان معنی نیست که، بتوان آن را براساس رابطه علیت تفسیر کرد، یعنی این که شدت مجازات محکومیت اخلاقی را به همراه دارد. بلکه برعکس، رابطه علیت می‌تواند در جهت مخالف باشد؛ شدت مجازات و محکومیت اخلاقی رفتار خاص هر دو می‌توانند به وسیله عوامل دیگر تعیین شده باشند. (ارزشها و منافع).

از طرف دیگر، رابطه مثبت بین شدت مجازات و محکومیت اخلاقی رفتار مجرمانه قابل مجازات، تا حدی بستگی دارد به این که قانون و مجازات مشروع و عادلانه باشد. اگر یک قانون نامشروع تلقی شود به خاطر این که اختیار یا صلاحیت دولت یا مقامات اجرایی و عدالت کیفری زیر سؤال است، حتی شدیدترین مجازاتها ناتوان از این است که بتواند تنفر اخلاقی به رفتار مورد نظر بدهد.

مبحث دوم - جرم‌زدایی

همان گونه که گفته شد مقررات حقوق جزا دارای دو اثر مهم بازدارندگی و آموزشی می‌باشند. در صورت اجرای آموزه عدم مداخله یا جرم‌زدایی آثار پیشگیرانه و آموزشی حقوق جزا با چه مشکلاتی مواجه می‌شوند. به عبارت دیگر، پیامدهای جرم‌زدایی و

آثار آن بر پیشگیری عمومی و جنبه بازدارندگی مجازات‌ها چگونه می‌باشد؟ قبل از آن که به پیامدهای جرم‌زدایی و مشکلاتی که می‌تواند برای پیشگیری عمومی ایجاد کند اشاره کنیم، لازم است ابتدا تعریفی از جرم‌زدایی ارائه و سپس صورت‌ها و اشکال مختلف جرم‌زدایی و رابطه هر کدام با پیشگیری را بیان نماییم.

الف - تعریف جرم‌زدایی

از جرم‌زدایی تعاریف متعددی صورت گرفته است. لکن در این نوشتار تعریفی که در گزارش شورای اروپا در مبحث جرم‌زدایی به عمل آمده است بیان می‌شود. از نظر گزارش شورای اروپا:^(۱) جرم‌زدایی شامل آن فرآیندهایی است که از طریق آنها، «صلاحیت» نظام کیفری برای اعمال ضمانت اجراها به عنوان واکنش نسبت به بعضی رفتارها، یعنی برای رفتارهای مجرمانه خاصی، سلب می‌شود.

ب - انواع جرم‌زدایی

جرم‌زدایی در مفهوم فوق می‌تواند به دو صورت واقع شود. یکی «جرم‌زدایی رسمی» و دیگری «جرم‌زدایی عملی» جرم‌زدایی رسمی؛ فرآیندی است که به وسیله قانونگذاری یا با روشی که به موجب آن قوه قضائیه قانون را تفسیر می‌کند انجام می‌گیرد. (مثال، لغو قوانین کیفری به وسیله دادگاه قانون اساسی در فرانسه).

جرم‌زدایی عملی؛ پدیده (تدریجی) کاهش فعالیت‌های سیستم عدالت کیفری در قبال برخی رفتارها یا بعضی اوضاع و احوال است، هرچند که رسماً و قانوناً در صلاحیت آن تغییری حاصل نشده باشد (مثال، در جرایم اقتصادی خفیف و جرایم ناشی از نقض مقررات رانندگی).

جرم‌زدایی رسمی به ۳ صورت مختلف متجلی می‌شود؛ الف - هدف جرم‌زدایی رسمی در مواردی، شناسایی یعنی به رسمیت شناختن کامل قانونی و اجتماعی رفتار جرم‌زدایی شده است (مثال، هدف از جرم‌زدایی از اعمال همجنس‌گرایانه میان افراد

بالغی که با رضایت صورت می‌گیرد) به معنای شناسایی و پذیرش حق قانونی انتخابها از ارائه یک شیوه زندگی است یعنی داشتن روابط همجنس‌گرایانه که قبلاً از نظر قانونی ممنوع شده بود، (جرم‌زدایی نوع الف).

ب - در موارد دیگر، جرم‌زدایی به خاطر شناسایی و به رسمیت شناختن کامل قانونی و اجتماعی رفتار جرم‌زدایی شده نیست، بلکه به خاطر این است که افکار عمومی در خصوص نقش سازمانهای دولتی در قلمرو مربوطه تغییر کرده است (یعنی نسبت به عمل یا رفتار مجرمانه جرم‌زدایی شده). به عبارت دیگر، از نظر افکار عمومی دولت صالح برای مداخله در حوزه مربوطه نیست. مثلاً جرم‌زدایی از جرایم جنسی (جرم‌زدایی نوع ب).*

ج - گاهی اوقات جرم‌زدایی نه به خاطر تغییر عقیده در خصوص عدم مطلوبیت رفتار مجرمانه و نه به خاطر عدم صلاحیت مراجع دولتی در مورد آنهاست، بلکه با وجود این که رفتار مجرمانه هنوز نامطلوب تلقی می‌شود و دولت برای برخورد با آن صالح تلقی می‌شود، اما وصف مجرمانه از عمل زدوده می‌شود. (جرم‌زدایی از نوع ج). البته این نوع جرم‌زدایی صورتهای مختلف دارد. حالت اول این است که قانونگذار بر این عقیده است که هزینه‌های جرم‌انگاری برای این عمل مجرمانه از فواید آن بیشتر است، و هیچ‌گونه راه‌حل جایگزین برای مقابله با این رفتار نامطلوب وجود ندارد. لذا راه‌حل عدم اقدام انتخاب می‌شود. در سایر موارد، جرم‌زدایی از نوع ج به این علت که رویکرد جایگزین برای مقابله با آن رفتار مناسبتر تشخیص داده شده است، صورت می‌گیرد. برخلاف جرم‌زدایی نوع الف، بدیل‌های مقابله با رفتار مجرمانه وسیع و گسترده است.

در پاسخ به این سؤال که جرم‌زدایی چه مشکلاتی می‌تواند برای پیشگیری عمومی ایجاد کند؟ در وهله اول، پاسخ تا حد زیادی به نوع جرم‌زدایی مورد نظر بستگی دارد.

۱- واضح است که هیچ مشکل فوری از جرم‌زدایی نوع الف (جرم‌زدایی از اعمالی که

* التفات نویسنده به این دو مثال، واضح است که استناد به گونه‌ای جرم‌زدایی در حقوق اروپاست و هیچ ربطی به حقوق داخلی ندارد و لابد در مثال مناقشه نباید باشد - مجله حقوقی - ۱ همان ص ۳۰۶

نامطلوب تلقی نمی‌شود) برای پیشگیری عمومی به وجود نمی‌آید. زیرا اگر لغو مقررات حقوق کیفری نسبت به چنین اعمالی به ارتکاب یا تکرار ارتکاب منتهی شود، این موضوع به دولت ارتباطی ندارد، یا حتی ممکن است به عنوان یک نتیجه مثبت تلقی شود (مثال، آنچه در کشورهای عضو اتحادیه اروپا قابل اجراست، قانونگذاری مربوط به فروش و تبلیغ وسایل جلوگیری از بارداری).

۲- بنابراین، مشکل پیشگیری عمومی تنها مربوط به رفتاری است که از آن جرم‌زدایی شده، علی‌رغم این که آن رفتار هنوز نامطلوب تلقی می‌شود. جرم‌زدایی از چنین رفتاری می‌تواند به دو دلیل عمده صورت گیرد. یا به خاطر این که دولت صالح به دخالت در مورد این نوع رفتار نیست (جرم‌زدایی نوع ب)، یا این که دولت علی‌رغم این که رسماً صالح به دخالت است اما به دلایل متعدد ترجیح می‌دهد از به کارگیری سیستم کیفری برای مانع شدن از رفتار مورد نظر خودداری کند. (جرم‌زدایی نوع ج) در این مورد، دولت بهتر است هیچ کاری انجام ندهد، و راه‌حل عدم اقدام را انتخاب کند.

(The alternative of doing) (nothing is chosen) (جرم‌زدایی نوع ج ۱)، یا از بدیل‌های دیگر کتلی در درون یا خارج حقوق کیفری استفاده کند (جرم‌زدایی نوع ج ۲). هر یک از این دو نوع جرم‌زدایی می‌تواند مشکلات عام یا خاصی را ایجاد کند زیرا در حقیقت، هر نوع جرمی در داخل این دو دسته قرار می‌گیرد.

مبحث سوم - پیامدهای جرم‌زدایی

از آن جای که بازدارندگی و آموزش اخلاقی جنبه‌های مختلف پیشگیری عمومی هستند در اینجا نتایج مورد انتظار جرم‌زدایی مربوط به هر یک از آنها را جداگانه بررسی می‌کنیم.

الف - جرم‌زدایی و بازدارندگی

به محض این که از نوع خاصی از رفتار (نامطلوب) جرم‌زدایی می‌شود و این موضوع مورد توجه قرار می‌گیرد، هرگونه اثر بازدارندگی تهدید به مجازات سابق از بین خواهد

رفت. البته، این لزوماً (به معنای) کاهش ترس مردم از ارتکاب این اعمال نیست. زیرا اولاً، اثر بازدارندگی قانون و اجرای قانون در خصوص این گونه اعمال، در وهله اول، خیلی (کم) بی‌اهمیت است چرا که با لغو قانون «چیزی برای از دست دادن» وجود نداشته است. ثانیاً، بازدارندگی اصلی در مقابل ارتکاب این گونه اعمال با استفاده از اهرمهای کنترلی خارج از حقوق جزا صورت می‌گیرد.

در خصوص جرم‌زدایی از نوع ج ۲، احتمال بیشتری وجود دارد که با انتقال مسأله به سایر بخشهای کنترل اجتماعی بتواند به نحو دیگری بازدارندگی صورت گیرد.

با نگاهی دقیقتر به جرم‌زدایی از نوع ب، ویژگی عمده این دسته جرایم این است که هر نوع ترسی که از ارتکاب آنها ایجاد شده، نه به خاطر تهدید به مجازات قانونی، بلکه به خاطر تهدید به طرد اجتماعی، تهمت، افتراء، سرزنش دینی یا سایر اشکال کنترل اجتماعی، خصوصاً ترس از مجازات اخلاقی است. بنابراین، جرم‌زدایی چیزی از اثر بازدارندگی آنها کم نمی‌کند.

انتقال کنترل جرم به نظامهای غیرحقوقی نظیر نظام رفاه اجتماعی، نظام بهداشت و نظام آموزشی باید هرگونه آثار بازدارندگی و اکنش رسمی (رسوایی، تنگ) را از بین ببرد. تقویت این نظامها، در پیشگیری از رفتار نامطلوب نباید از طریق ایجاد ترس از ارتکاب آن، بلکه با تغییر شرایط آموزشی، پزشکی، روان‌شناسی، فیزیکی، زیست محیطی، اقتصادی و اجتماعی که موجب چنین رفتاری شده انجام گیرد. در مورد رفتار نامطلوب، اقداماتی که به وسیله این نظامها صورت می‌گیرد باید به روشنی ماهیت غیرکیفری داشته باشند. تمرکز بر روی کاهش یا جبران صدمه وارده به جای سرکوب کردن بزهکار.

پیشگیری از جرم پیامد دیگری نیز دارد و آن اثر آموزشی ناشی از اعمال مجازات و ارباب سایرین است که در ذیل به آن پرداخته می‌شود.

ب - جرم‌زدایی و آموزش اخلاقی

مسائل مربوط به نتایج آموزش اخلاقی جرم‌زدایی برای بررسی پیچیده‌تر هستند، به خاطر تحقیقات خیلی کمی که در این زمینه صورت گرفته است. پیچیدگی فوق‌العاده در

مقایسه با بازدارندگی ناشی از این حقیقت است که، در حالی که ترس از مجازات و بازداشت به خاطر ارتکاب جرم کیفری به عملی که «حقیقهٔ قابل مجازات» است بستگی دارد. معلوم نیست که انفکاک و تنفر اخلاقی از جرم کیفری حتماً به «قابلیت مجازات» ارتباط داشته باشد.

چنان که قبلاً ذکر شد، تنفر اخلاقی از جرایم (و مجرمین) به عوامل زیادی غیر از آن‌های که به جرم‌انگاری مربوطند بستگی دارد. و اهمیت قابل تردید حقوق جزا تاکنون دلیلی بر این حقیقت ساده و شناخته شده است که حتی اعمال شدیداً قابل مجازات و با احتمال بالای خطر بازداشت، در برخی شرایط نه تنها از نظر اخلاقی قابل قبول به نظر می‌رسند بلکه کاملاً ستودنی هستند (برای مثال، مقاومت در مقابل اشغال نظامی)، در حالی که اعمال دیگر می‌توانند از نظر اخلاقی بشدت محکوم شوند بدون این که از نظر قانونی حداقل مجازات را داشته باشند (برای مثال، در خیلی کشورها، زنا با محارم در بین بزرگسالان که با رضایت طرفین انجام می‌شود).

با این حال، اثر بازدارندگی صرف زودگذر است بدین معنی که فوراً می‌آید و می‌رود. حال آن که، اثر اخلاقی حقوق جزا و مجازات‌ها یک امر مستمر است که می‌تواند طی سالها و حتی نسلها صورت گیرد.

علی‌رغم این مشکلات، نکته‌ای که در مورد نتایج آموزشی اخلاقی جرم‌زدایی، در جاهایی که با این اقدام مواجه شده یا در آینده روبه‌رو خواهند شد می‌توان گفت این است که، هنجارها و محکومیت‌های اخلاقی که ناشی از تأثیر حقوق جزا در برخی جرایم ایجاد شده، شکل گرفته و تقویت شده، به خاطر فقدان اجرا تاکنون در مخاطره قرار گرفته‌اند.

به هر حال، مطابق نظر برخی دانشمندان در زمینه پیشگیری (برای مثال آندریاس) عدم وجود قوانین یا اجرای پراکنده قوانین احتمالاً احترام نسبت به حقوق جزا و همچنین اثر آموزش اخلاقی مقرراتی را که به طرز شایسته اجرا می‌شوند را کاهش می‌دهد.

نکات فوق نه تنها در ارتباط با جرم‌زدایی نوع الف، بلکه در سایر اشکال جرم‌زدایی مطرح است. چنان‌که در جرم‌زدایی نوع ب (که در نتیجه تغییر افکار عمومی در خصوص نقش مراجع دولتی در قلمرو مربوطه صورت می‌گیرد) ملاحظه شد، علاوه بر نتایج نامطلوب اجرای غیر مؤثر، خیلی از دانشمندان عقیده دارند، راجع به مشروعیت و مقبولیت مقررات کیفری در اذهان مردم تردید جدی وجود دارد که احتمالاً به نتایج آموزشی اخلاقی قوانین صدمه می‌زند.

در مورد جرم‌زدایی نوع ج، برای این دسته جرایم از سوی قوانین، مجازات خفیفی در نظر گرفته می‌شود و به ندرت تحت تعقیب واقع یا هرگز تحت تعقیب واقع نمی‌شوند و بنابراین، به اعتبار آموزش لطمه وارد می‌کند.

به طور کلی، و با توجه به نکاتی که مختصراً توضیح داده شد، به نظر نمی‌رسد خطر صدمه زدن به آموزش اخلاقی یا حفظ باورهای اخلاقی تأثیری جدی در گرایش عمومی به جرم‌زدایی داشته باشد. بر عکس خطری که وجود دارد این است که، قصور در جرم‌زدایی از برخی رفتارهای مجرمانه می‌تواند تا حد زیادی به باورها و آموزش اخلاقی لطمه وارد کند که طبعاً موجبات تنزل مقام حقوق کیفری را به دنبال دارد. به این معنی که، جرم‌زدایی از برخی رفتارهای مجرمانه صورت نگرفته است از یک طرف، و قوانین و مقررات جزایی نیز به دلایل فوق اعم از تغییر افکار عمومی در خصوص نقش دولت یا در نظر گرفتن مجازات خفیف از سوی دیگر، به شکل‌گیری باورها و آموزشهای اخلاقی در نزد افکار عمومی می‌انجامد و حرمت قوانین و اعتبار آنها شکسته می‌شود.

مبحث چهارم- استدلالهای مخالفان جرم‌زدایی

در مقابل استدلالهای کلی که در موارد زیادی به نفع جرم‌زدایی صورت می‌گیرد، گاهی برخی استدلالهای مخالف نیز وجود دارد که تنها نسبت به انواع خاصی از جرایم یا در اوضاع و احوال معینی قابل اجرا هستند. ما در اینجا دو مورد از آنها را مختصراً ذکر می‌کنیم.

الف - یکی از انتقاداتی که به مسأله جرم‌زدایی وارد شده است این است که جرم‌زدایی از نوعی رفتار (مجرمانه) می‌تواند خطر سرایت آثار نامطلوب را در جرایم مشابه یا نواحی همجوار داشته باشد (انتشار یا تعمیم اثر). این مشکل خصوصاً با جرم‌زدایی نوع الف مربوط است. قانونگذاری در خصوص رفتاری که نامطلوب تلقی نمی‌شود، در برخی شرایط، ممکن است به مقبولیت مضاعف و نتیجه، احتمال وقوع مضاعف رفتار مشابه که کماکان نامطلوب تلقی می‌شود منجر گردد. برای مثال جرم‌زدایی از تصاویر و نقاشیهای مستهجن می‌تواند آثار نامطلوبی بر عرضه عمومی و درخواست پستی این وسایل داشته باشد. این مشکل، حداقل در تئوری می‌تواند نسبت به انواع دیگر جرم‌زدایی اجرا شود. بنابراین، در مورد جرم‌زدایی نوع ب، وضع و تصویب قانون برای جرم‌زدایی از برخی اشکال رفتار جنسی به این دلیل که دولت، نباید در رفتار جنسی خصوصی بزرگسالان دخالت نماید، بر عکس می‌تواند منجر به وقوع انواع رفتارهای مشابه که علناً صورت می‌گیرد بشود. مانند مجامعت بدون رضایت با بزرگسالان به طور علنی یا با صغار، در حالی که دولت هنوز صالح به نظارت و کنترل است. در مورد جرم‌زدایی نوع ج، جرم‌زدایی از جرایم علیه اموال کوچک و جزئی، برای مثال مغازه دزدی، می‌تواند باعث وقوع رفتارهای دیگر، احتمالاً وقوع انواع جرایم مالی شدیدتر شود.

بی‌شک خطر تعمیم (سرایت) می‌تواند واقعاً از یک جرم تا جرم دیگر و جرم‌زدایی از یک نوع دیگر متفاوت باشد.

در خیلی از موارد، ما در مورد وجود و حدود احتمالی این خطر، اطلاع نداریم یا خیلی کم اطلاع داریم. هرچند این نکته درست است، خصوصاً جایی که احتمال دارد جرم‌زدایی از جرایم جزئی باعث وقوع جرایم شدیدتر از همان نوع گردد. لکن به نظر می‌رسد بتوان حداقلی از اثر «انتشار» را از طریق مطالعات تطبیقی یا از طریق مطالعه متمرکز روی جرم‌زدایی به دست آورد. لکن کمبود قابل ملاحظه مطالعه در این زمینه وجود دارد. با وجود این، توجه به این آثار جانبی نامطلوب باید نقش مهمی را در فراهم

آوردن زمینه جرم‌زدایی بازی کند.

ب- استدلال دیگری که در مقابل جرم‌زدایی وجود دارد مسأله تضعیف حساسیتهای اخلاقی پیش گفته است. ادعا شده است که اگر ضعف اثر جرم‌زدایی بر رفتار نامطلوب (هم از خود رفتار جرم‌زدایی شده، سلبه وسیله انتشار یا تعمیم، در اشکال مختلف رفتار) در کوتاه مدت آشکار نشود، ممکن است انباشت کاملاً تدریجی اثر جرم‌زدایی در طی سالها به وجود آید، چنان که نتایج منفی بعد از سالهای متمادی، و احتمالاً نسلها اتفاق بیافتند. دلایل این که چرا اغلب مخالفان جرم‌زدایی در مقابل آثار متراکم طولانی مدت در خصوص جرم‌زدایی از پدیده‌هایی نظیر همجنس بازی و تصاویر و نقاشیهای مستهجن هشدار می‌دهند و به عنوان آخرین حربه مطرح می‌کنند؛ نتایجی است که در تعدادی کشورها مشاهده می‌شود. وقتی نتایج منفی مورد انتظار در کوتاه مدت خود را نشان ندهند غیرمنطقی خواهد بود تا پیش‌بینی غیر دقیق طولانی مدت را عنوان نماییم. با این حال، خطر جرم‌زدایی در ایجاد آثار طولانی مدت معکوس نباید دست کم گرفته شود، حتی اگر این آثار مستقیماً مشاهده نشده باشند. ضمن این که وضع و تصویب قانون در خصوص یک موضوع غیر قابل برگشت نیست. اگر یک مورد خاص جرم‌زدایی منجر به نتایج منفی غیرمنتظره‌ای گردد که هماهنگ با سایر موارد نباشد، موردی وجود ندارد تا قانونگذار از صدمات بیشتر فرآیند جرم‌زدایی جلوگیری به عمل نیآورد. باید اضافه کرد که، اگر جرم‌زدایی به دقت تنظیم و اجرا شود و حدود آن شناخته شود، مجال این که همیشه با شکست روبه‌رو خواهد شد به خاطر نتایج غیرمنتظره، ناچیز تلقی می‌شود. زیرا همیشه راههای زیادی وجود دارد تا با انعکاس نتایج نامطلوب استفاده از حقوق کیفری را مجدداً اعاده نماید.

نتایج

ماهیت فوق‌العاده پیچیده پیشگیری عام در تئوری و عمل و کمبود تجربه در این زمینه

و خصوصاً در زمینه جرم‌زدایی، آثار مثبت مورد انتظار از جرم‌زدایی بر پیشگیری عام را از بین می‌برد. فقدان تجربه قطعی در خصوص بازدارندگی عمومی و آثار آموزشی حقوق جزا و سیستم عدالت کیفری جا را برای این باور ذهنی قابل توجه باز کرده است؛ در حالی که احساس می‌شود که، در کل و با توجه به مشکلات مربوطه، قوانین نظامهای کیفری وظیفه عمومی خود را در قبال پیشگیری از جرم تا حد رضایت‌بخشی انجام می‌دهند، برخی بر این عقیده‌اند که این قوانین و نظامها، وسایل و ابزار مناسبی برای جلوگیری از رفتار نامطلوب در جوامع مدرن نیستند، هم‌چنان که وسایل سنتی پیشگیری عمومی.

با همه اوصاف فوق، لزوم جرم‌زدایی در بسیاری موارد پذیرفته شده است یا به خاطر این که رفتار جرم‌زدایی شده نامطلوب نیست، یا به خاطر این که فراتر از صلاحیت دولت است، یا به خاطر پیشگیری وضعی^{۳۳} (فنی)، - کنترل غیر رسمی اجتماعی یا کنترل رسمی اجتماعی با ماهیت مثبت و غیرکیفری که انتظار می‌رود مؤثرتر باشد و آثار جانبی زیانباری به همراه نداشته باشد. همچنین، پذیرفته شده است که، رابطه پیشگیری عام با اشکال متنوع جرم‌زدایی و انواع جرایم در جوامع مختلف متفاوت است.

اعضای کمیته اروپایی ویژه مسائل جنایی، وابسته البته به شورای اروپا که مأموریت یافته بودند در مورد جرم‌زدایی در کشورهای عضو تحقیق نمایند، بعد از انجام مأموریت گزارشی تنظیم که به تصویب کمیته وزرای شورای اروپا رسید. در این گزارش نتایج مطالعات انجام گرفته استخراج شده است که در ذیل به برخی از آنها اشاره می‌شود:

۱- در مواردی که جرم‌زدایی از رفتاری است که هنوز نامطلوب تلقی می‌شود، مسأله کاهش اثر بازدارندگی یک مسأله علمی (نظری) است. صرفاً به خاطر این که اثر پیشگیرانه عام جرم‌انگاری در وهله اول ناچیز و کم اهمیت تلقی می‌شود، برای مثال، نسبت به اعمالی که بندرت از سوی پلیس تعقیب یا مجازات می‌شوند. لذا جرم‌انگاری

۳۳- برای مطالعه بیشتر مراجعه کنید به: نجفی ابرندآبادی، علی حسین. مقاله؛ پیشگیری از بزهکاری و پلیس محلی؛ پایان مجله تحقیقات حقوقی؛ ش ۲۵-۲۶؛ ص ۱۲۹ به بعد.

اثر پیشگیرانه عام چندانی ندارد.

۲- در برخی موارد، انتظار نمی‌رود که جرم‌زدایی از رفتار نامطلوب مشکلی را برای پیشگیری عام ایجاد کند، زیرا رفتار مورد نظر (نامطلوب) قبلاً به وسیله عوامل اجتماعی دیگر که انتظار می‌رود قدرت پیشگیرانه خود را بعد از جرم‌زدایی حفظ کنند آشکارا کنترل می‌شده است؛ برای مثال، رفتاری که محکومیت اخلاقی شدید به همراه دارد نظیر زنا یا محارم.

۳- در برخی موارد، وقتی کنترل رفتار جرم‌زدایی شده از طریق نظام‌های دیگر در بستر قانونی صورت می‌گیرد (برای مثال، نظام حقوق اداری و نظام حقوق مدنی) هر لطمه‌ای به اثر پیشگیرانه عام ناشی از جرم‌انگاری سابق، انتظار می‌رود که از طریق اثر پیشگیرانه عام واکنش‌های نظام‌های جایگزین جبران شود.

۴- در موارد زیادی، وقتی کنترل رفتار جرم‌زدایی شده به نظام‌های اجتماعی غیرحقوقی واگذار شود (برای مثال، نظام آموزشی، نظام بهداشتی و نظام رفاه اجتماعی) هرگونه کاهش اثر بازدارندگی در نتیجه جرم‌زدایی، می‌تواند از طریق اشکال مثبت بازدارندگی در این نظامها جبران شود.

۵- هرچند ممکن است از تصمیمات جرم‌زدایی خطر بالقوه‌ای متوجه آثار پیشگیرانه عام و خصوصاً کاهش این آثار گردد؛ لکن در بسیاری موارد، این خطر می‌تواند در مقابل مزایای جرم‌زدایی ناچیز تلقی گردد (مانند کاهش رسوایی، توجه به تعقیب جرایم مهمتر و غیره).

۶- در همه موارد جرم‌زدایی، احتمال آثار جانبی زیانبار باید در نظر گرفته شود و تا آنجا که ممکن است، این آثار جانبی پیش‌بینی و از آنها جلوگیری شود یا، در مراحل بعدی حذف یا کاهش یابد.

منابع

- ۱- فروغی، محمدعلی - سیرحکمت در اروپا، دوره سه جلدی، انتشارات صفی علیشاه، چاپ ششم، ۱۳۷۹.
- ۲- نجفی ابرندآبادی، علی حسین و هاشم بیگی، حمید- دانشنامه جرم‌شناسی - تهران: انتشارات دانشگاه شهید بهشتی، ۱۳۷۷.
- ۳- پیکا، ژرژ- جرم‌شناسی- ترجمه علی حسین نجفی ابرندآبادی - تهران: انتشارات دانشگاه شهید بهشتی، ۱۳۷۰.
- ۴- بکاربا، سزار- ترجمه محمدعلی اردبیلی - تهران: انتشارات دانشگاه شهید بهشتی، چاپ دوم، ۱۳۷۴.
- ۵- گزارش کمیته اروپایی ویژه مسائل جنایی شورای اروپا، از منابع درس سیاست جنایی دوره دکترای دانشکده حقوق دانشگاه شهید بهشتی، نیم سال دوم ۸۱-۱۳۸۰.
- ۶- نجفی ابرندآبادی، علی حسین - تقریرات درس سیاست جنایی - دوره دکترای دانشکده حقوق دانشگاه بهشتی، نیم سال دوم ۸۱-۱۳۸۰.
- ۷- بولک، استغنی ولراسور، حقوق جزای عمومی؛ ترجمه حسن دادبان؛ انتشارات دانشگاه علامه طباطبایی؛ ۱۳۷۰.
- ۸- نجفی ابرندآبادی، علی حسین- روابط میان پیشگیری وضعی و کنترل بزهکاری، مجله تحقیقات حقوقی؛ ش ۱۹-۲۰، صص ۶۰۵-۶۲۸؛ انتشارات دانشگاه شهید بهشتی
- ۹- تیموری، خیراله - درآمدی بر پیشگیری از جرم، مجله حقوقی دادگستری؛ ش ۲۶؛ ص ۱۶۷.
- ۱۰- لوی برول، هانری - حقوق و جامعه‌شناسی؛ ترجمه مصطفی رحیمی - انتشارات سروش، تهران ۱۳۷۱.
- ۱۱- برادل، ژان - تاریخ اندیشه‌های کیفری - ترجمه علی حسین نجفی ابرندآبادی، انتشارات دانشگاه شهید بهشتی؛ ۱۳۷۳.
- ۱۲- نجفی ابرندآبادی، علی حسین- بحران سیاستهای جنایی کشورهای غربی مجله تحقیقات حقوقی؛ ش ۱۰، انتشارات دانشگاه شهید بهشتی.
- ۱۳- نجفی ابرندآبادی، علی حسین - پیشگیری از بزهکاری و پلیس محلی - مجله تحقیقات حقوقی؛ ش ۲۶-۲۵.